

قال الباقر علیه السلام : مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعْظَاهَا ، فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُ شَيْئاً .

کسی که خداوند برای او واعظی درونی قرار نداده ، موعظه‌های مردم هرگز در او سودمند نمی‌افتد .

(تحف العقول : ۲۹۴)

۱۷۰

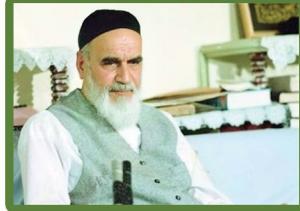
معجزه خوبان

www.serajnet.org

موعده خوبان شماره ۱۷۰ / فروردین ماه ۹۶

معاونت تربیت و آموزش عقیدت سیاسی سپا

مرکز آموزش مجازی



چه شده که آیات الهی در ما اثر ندارد؟!

ای عزیزاً اگر به هر یک طفول ده ساله (ای) اطلاع دهد که خانه ات آتش گرفت یا پسرت در آب افتاد و الان غرق می‌شود، آیا اگر اشتغال به هر کار مهمی داشته باشیم، دست از آن برداشته، در تعقیب این اخبار هولناک سراسیمه می‌دویم یا آن که با اطمینان نفس نشسته اعتنا نمی‌کنیم؟ اکنون چه شده است، تمام آیات و اخبار و برهان و عیان به قدر خبر یک بچه ده ساله در ما تاثیر نکرده، اگر تاثیر کرده بود، راحتی را از ما سلب نموده بود. آیا این کوری باطن ... را باید به چه نحو معالجه کرد؟ آیا این مرفن قلبی محتاج به علاج و طبیب (نیست)؟

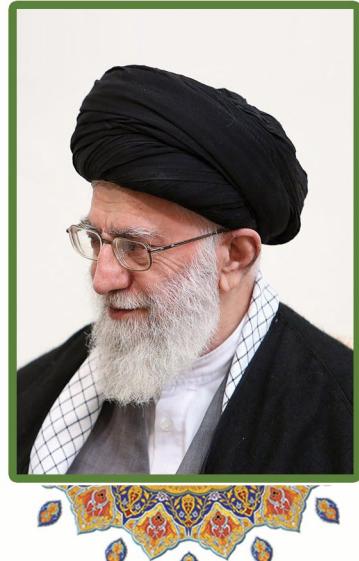
(امام خمینی-ره، شرح حدیث جنود عقل و جبل، ص ۲۸۶)

دو مؤمن بهشتی

عَن الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَقَفَ عَنْدَنَا مُؤْمِنًا لِلْحُسَابِ كَلَّا هُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَبِيرٌ فِي الدُّنْيَا وَغَنِيٌّ فِي الدُّنْيَا ؛ فَيَقُولُ الْفَقِيرُ، يَا رَبِّ عَلِيٍّ مَا أُوْفَفُ؟ فَوَعَزَّتْكَ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُولِّي وَلَاهِيَّةً فَأَعْدِلُ فِيهَا أَوْ أَجُورًا وَلَمْ تُرْزُقَنِي مَالًا فَأَدَدِي مِنْهُ حَقًا أَوْ أَمْنَعَ وَلَا كَانَ رِزْقِي يَأْتِينِي مِنْهَا إِلَّا كَفَافًا عَلَى مَا عَمِلْتَ وَقَدْرَتْ لِي فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالَهُ: صَدَقَ عَبْدِي فَلَوْلَا عَنْهُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَيَبْقَى الْآخِرَ حَتَّى يَسْعِلِ مِنْهُ الْعَرْقَ مَا لَوْ شَرَهَ أَرْبَعُونَ بَعِيرًا لِكَفَاهَا، ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَيَقُولُ لَهُ الْفَقِيرُ: مَا حَبَسَكَ؟ فَيَقُولُ: طُولُ الْحُسَابِ مَا زَالَ الشَّيْءُ يَجْيِئُنِي بَعْدَ الشَّيْءِ يَعْفُرُلِي ثُمَّ أَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ آخَرَ حَتَّى تَعْمَدَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَ مِنْهُ بِرْحَمَةٍ وَالْخُفْنَى بِالْتَّائِيَنَ... بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۶.

حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: وقتی روز قیامت فرا رسد، دو نفر مؤمن بهشتی می ایستند برای حساب در برابر پروردگار، یکی از این دو در دنیا با فقرگذرانده و دیگری غنی است که هر دو هم (مؤمن) و اهل بهشت هستند. فقیر می گوید: خوب، چرا پروردگار مرا در این جا نگه داشته؟! می گوید پروردگار در دنیا نه به من یک مقام و ریاستی (دادی) که بتوانم در آنجا عدل یا جور کنم. داشتم زندگی خودم را می کردم. مالی هم که به من ندادی تا این بحث پیش بیايد که من حق مالی را ادا کردم یا ادا نکردم. چیزی نداشتم! زندگی روز مره ای را داشتم که خوردیم و گذراندیم. خودت می دانی، زندگی من زندگی کفاف بوده همان طور که خودت مقدار کرده بودی؛ پس فقیر آن کسی نیست که به قدر کفاف هم نداشته باشد. پروردگار می فرماید راست می گوید بنده من. بگذارید برود بهشت. بعد نوبت غنی (و ثروتمند) می رسد. اینقدر می ایستد برای حساب، که عرق از سر تا پا او و جاری می شود (که هرگاه چهل شتر از آن بنوشند آنها را بس است - این برای مبالغه و بیان کثrt هست). بعد از مدت طولانی او را وارد بهشت می کنند. آن برادر فقیر می گوید چرا اینقدر تاخیر کردی؟! می گوید بخارط طولانی شدن حساب رسی. همین طور یکی پس از دیگری سئوالات مطرح می شد. فلان مال را از کجا آوردی؟ باید جواب بدم. کجا خرج کردی؟ باید جواب بدم. همین طور یکی از من سؤوال کردند. بعد خدای متعال بر من رحمت آورد و مرا آمزید. و به توبه کاران ملحدم فرمود. دنبال مال دنیا می دویم، دنبال مقام می دویم، دنبال عضویت فلان مجموعه خودمان را می گشیم، برای چی؟! برای این که حساب خودمان را در آنجا سنگین تر کنیم!!!

[شرح حدیث از امام خامنه‌ای در مقدمه درس خارج ، برداشت از سایت leader.ir]



تو خود وصی خویش باش!

[مسعود عالی، احتضار تا عالم قبر، صص ۱۲۵ و ۱۲۶]

آقا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: « ای فرزند آدم! تو خود وصی خویش باش، و پیش از مرگ از مال و داراییات بده آنچه را که می خواهی پس از مردن تو بدهند ». آنچه موجب رشد انسان می شود بخششی است که انسان با دست خودش ببخشد. اگر پس از مرگ دیگران برای او بدهند، که او رشدی نمی‌کند. البته بیشک خیرات و مبرات به او می‌رسد، ولی این کجا و آن کجا؟! پسری عاقل و متدين به پدرش دائم می‌گفت: پدرجان، بعضی از این اموال را در راه خدا خرج کن. آن پدر مرتب بهانه می‌آورد. تا این‌که شبی در کوچه‌ای می‌خواستند بروند. هوا تاریک بود. پسر چراغ فانوس را پشت سر نگه می‌داشت. پدرش گفت: بابا نور باید جلوی آدم باشد تا راه روشن شود. پشت سر که خیلی فایده ندارد. پیشش گفت: اتفاقاً بابا من هم همین را می‌گفتم. نور را باید جلو فرستاد، قبل از مرگ باید خیرات کرد.

